

تحلیل سیاسی هفته (۲۷)
شکست راهبردهای امنیتی ترکیه در سوریه و ضرورت
ترمیم روابط تهران - آنکارا

مقدمه

سفر جمیل چیچک، رئیس پارلمان ملی ترکیه به کشورمان طی هفته گذشته و دیدار وی با مقامات بلندپایه ایرانی (دکتر روحانی، دکتر لاریجانی و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی) و همچنین ملاقات عبا... گل، رئیس‌جمهور ترکیه با دکتر حسن روحانی (رئیس‌جمهوری ایران)، در حاشیه نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک، نشان از آغاز فصل جدیدی در روابط دوجانبه تهران - آنکارا دارد. فصل نوینی که با لحن نرم مقامات ترک به دنبال ترمیم زخم‌های بجا مانده از اختلاف نظر اساسی در بحران سوریه است. بحران سوریه از همان روزهای نخستین خویش، تنها عرصه کشمکش و منازعه داخلی سوریه نبوده، بلکه میدانی برای منافع و مطامع کشورهای مختلف نیز به شمار رفته است. بحران مذکور به علت برخورداری از پیچیدگی‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، در مرکز توجهات جهانی بوده است. در این میان، روابط روبه رشد جمهوری اسلامی ایران و ترکیه نیز تحت الشعاع سیاست‌های مغرضانه حزب عدالت و توسعه در سوریه قرار گرفت و تضعیف شد.

بحران سوریه و سردی روابط تهران - آنکارا

هر دو کشور ایران و ترکیه طی دوران ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد و نخست‌وزیری رجب طیب اردوغان، عزم جدی در گسترش همکاری‌های اقتصادی و امنیتی داشتند و تلاش‌های دو دولت مذکور در این مسیر، تا حدود زیادی مثمرتر بودند، به طوری که حجم مبادلات تجاری مشترک به ۱۱ میلیارد دلار رسید، همکاری‌های امنیتی حول محور امنیت مرزی و مبارزه با گروهک‌های تروریستی ارتقای چشمگیری یافت و ترکیه در شورای امنیت سازمان ملل از حق مسلم ایران بر استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای صحنه گذاشت. اما این روند مثبت، با شروع انقلاب‌های عربی منطقه، تحت الشعاع رقابت مدل حکمرانی ایران و ترکیه قرار گرفت. هر دو کشور سعی کردند تا از این تحولات در جهت منافع خویش بهره‌برداری کنند. با رسیدن موج تغییرات سیاسی جهان عرب به سوریه، اختلاف نظرهای موجود میان تهران و آنکارا آشکارتر شد. در واقع، سیاست خارجی ترکیه نسبت به بحران سوریه، در مغایرت کامل با اهداف و منافع جمهوری اسلامی ایران در این کشور و کل منطقه خاورمیانه بود و طبیعتاً سردی روابط دوجانبه را دربر داشت.

شکست راهبردهای امنیتی ترکیه در قبال بحران سوریه

دولت اسلامگرای ترکیه، مواضع مختلف و گاهی متناقض را در قبال بحران سوریه اتخاذ کرد. این کشور، ابتدا سعی کرد از طریق دیپلماسی، بشار اسد را تشویق به اصلاحات سیاسی نماید و با هرگونه مداخله خارجی در این کشور همسایه مخالفت ورزید. اما پس از مدت کوتاهی، آنکارا موضع خویش در سوریه را تغییر اساسی داد و به شدت مخالف رژیم اسد و حامی

گروه‌های تروریستی شد، به طوری که تهدید به مداخله نظامی در شمال سوریه کرد و همچنین خواستار احداث منطقه پرواز ممنوع در مناطق مرزی خویش با سوریه و وضع تحریم‌های بین‌المللی شد. سپس در سال ۲۰۱۲، در پاسخ به اصابت چند موشک سوریه به مناطق مجاور ترکیه، دولت ترکیه تهدید به بهره‌گیری از ماده (۵) اساسنامه ناتو کرد. نهایتاً ترکیه، به بهانه استفاده از سلاح شیمیایی، ایالات متحده را ترغیب به مداخله نظامی یکجانبه در سوریه کرد.

واکنش‌ها و عکس‌العمل‌های ترکیه در قبال بحران سوریه را می‌توان به راهبردهای گوناگونی دسته‌بندی کرد. هریک از این راهبردها وجوه خاصی از سیاست خارجی ترکیه را به نمایش می‌گذارند. با این حال، وجه مشترک همه این مواضع و استراتژی‌ها، وجود شکاف میان توانایی‌ها و تمایلات ترکیه در منطقه است. نتیجه سیاست خارجی ترکیه در برابر بحران سوریه را می‌توان «پذیرش واقعیت» دانست که آنکارا را مجبور به تجدیدنظر در سیاست‌های مداخله‌جویانه خویش کرد. ترکیه‌ای که تا یک قدمی جنگ با نظام بشار اسد پیش رفته بود، مجبور به عقب‌نشینی شد، مناسبات خود با گروه‌های کردی عراق را گسترش داد و فرآیند بحث‌برانگیز مذاکره با زندان ایمرالی را کلید زد؛ به طوری که تعجب همگان را برانگیخت. در واقع، پتانسیل و قدرت ترکیه برای مدیریت چنین بحران چندبُعدی کافی نبود. ابزارها و راهبردهای گوناگونی که از سوی آنکارا طی بحران مذکور به کار گرفته شد، مغایر با سنت میانجیگری این کشور در منازعات قبلی منطقه‌ای بود. به عبارت روشن‌تر، بحران پیچیده و چندبُعدی سوریه نیازمند یک میانجیگر فعال و بی‌طرف بود؛ امری که دولت ترکیه به واسطه تعلقات فرقه‌ای خویش، قادر به ایفای آن نشد.

بنابراین، همه راهبردهای امنیتی ترکیه در قبال بحران سوریه به شکست انجامیدند. این امر موجب شد تا دولت‌مردان ترک، بیش از پیش به نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در سوریه و سایر تحولات منطقه‌ای پی ببرند و از فرصت به وجود آمده ناشی از تغییر دولت در ایران، در جهت بهبود و ترمیم روابط لطمه‌خورده بهره گیرند. در این راستا، عبدا... گل که مواضع وی در مورد سوریه و رژیم بشار اسد، ملایم‌تر از رفیق و هم‌حزبی قدیمیش، اردوغان می‌باشد، در هفته گذشته سعی کرد با اشاره بر نقش غیرقابل انکار جمهوری اسلامی ایران در حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران سوریه، نظر مساعد مقامات ایرانی را برای از سرگیری رایزنی‌های دیپلماتیک و همکاری‌های امنیتی جلب کند.

نتیجه‌گیری

با توجه به سفر جمیل چیچک رئیس پارلمان ملی ترکیه به کشورمان و با اهمیت یافتن دیپلماسی پارلمانی در میان کشورهای اثرگذار همسایه، گسترش تبادلات پارلمانی و بهبود فضای سیاست خارجی کشور می‌تواند تأثیر مثبتی در ایجاد امنیت و ثبات منطقه‌ای با محوریت جمهوری اسلامی ایران ایجاد کند. در همین راستا عوامل مختلفی دولت ترکیه را متوجه ضرورت ترمیم‌سازی روابط دوجانبه‌اش با جمهوری اسلامی ایران نموده است که از مهمترین آنها می‌توان به ناکامی ترکیه در اقناع آمریکا و هم‌پیمانانش به مداخله نظامی در سوریه، تضعیف مدل دمکراسی ترکیه در اذهان عمومی مردم منطقه، ناشی از اعتراضات اجتماعی میدان تاکسیم و در نقطه مقابل، بهبود تصویر و اوضاع داخلی و خارجی ایران در پرتو انتخابات ۲۴ خردادماه ۱۳۹۲، اشاره کرد. بی‌طرفی ایران در جریان اعتراضات داخلی پارک گزی نیز مزید بر علت گردید تا ترک‌ها متوجه حسن نیت تهران در حفظ و ارتقای همکاری‌های امنیتی شوند. برخلاف متحدین غربی و اروپایی آنکارا، جمهوری اسلامی ایران با خویشتن‌داری معقولانه خویش در قبال این حوادث، هم به نوعی پاسخ بی‌طرفی آنکارا در جریان اعتراضات انتخابات خرداد

۱۳۸۸ را داد و هم ثابت کرد که حتی در شرایط سردی روابط، تهران به استقلال سیاسی ملت‌ها احترام گذاشته و مدافع جدی اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورهاست.

دولت ترکیه با پذیرش استقرار سامانه موشکی پاتریوت در این کشور و ایفای نقش بازیگر نیابتی در بحران سوریه، قصد داشت تا نظر مساعد سردمداران کاخ سفید را برای قرارگیری در مرکز سیاست‌ها و راهبردهای امنیتی واشنگتن در منطقه جلب کند. لکن به‌رغم اشتراک منافع کلی میان دو کشور، اختلاف‌نظرهای عمیقی میان آمریکا و ترکیه در برخی از موضوعات و مسائل منطقه‌ای به چشم می‌خورد. دمکرات‌های معتدل، مواضع تند آنکارا در بحران سوریه را منشعب از گرایش‌های فرقه‌ای و اخوانی حزب عدالت و توسعه می‌دانند و بجای آنکارا ترجیح می‌دهند در تحولات جهان عرب روی نفوذ سیاسی و اقتصادی عربستان سعودی حساب باز کنند.

به‌عبارت دیگر، در نظر آمریکایی‌ها، عربستان گزینه مطلوب‌تری جهت دمیدن بر شعله‌های نفاق میان شیعه و سنی است. ایالات متحده با اتخاذ چنین سیاستی درصدد است تا بدون پرداخت هزینه‌های قابل توجه، به اهداف بلندمدت خویش در منطقه که همانا حفظ امنیت و موجودیت رژیم صهیونیستی و مهار قدرت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، دست یابد. به‌نظر می‌رسد که اکنون زمان آن فرا رسیده است که با بهره‌گیری از دیپلماسی فعال دولت یازدهم، بار دیگر اهداف و نیات واقعی آمریکا در منطقه را به دوستان ترک، گوشزد کرد که از اهم آنان، افزایش سوءظن‌ها میان ایران و ترکیه در راستای تفرقه‌اندازی میان کشورهای بزرگ اسلامی است. استقرار سامانه موشکی ناتو در خاک ترکیه نیز در همین راستا قابل ارزیابی می‌باشد؛ چراکه هدف از استقرار این سامانه، حفاظت از مردم و سرزمین ترکیه نیست، بلکه جهت دفاع از رژیم صهیونیستی و پایگاه‌های آمریکا در منطقه نصب شده است.